



30 اکتوبر 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

"مسلمانان، فرانسه و کاریکاتور پیامبر اسلام (ص)"

عنوان فوق از یک نوشته در فیسبوک گرفته شده که در ذیل آن مطالب بس مهم و قابل دقت بقلم محترم آقای عبیدالله مهدی در باره رویداد اخیر انتشار کاریکاتور پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) بار دیگر در مجله "شارلی هبدو" در فرانسه به نشر رسیده و موجب انعکاسات وسیع در تعدادی از کشورهای اسلامی گردیده است، و اما قبل از آن باید گفت که:

متأسفانه امروز دست های پشت پرده برای منافع سیاسی خود از امکانات مختلف و ایجاد حالات حساسیت برانگیز سوءاستفاده میکنند تا با انداختن یک گوگرد خرمن های خشکیده احساسات مردم را چنان شعله ور سازند که عواقب آن دامن کشورهای را بسوزاند که مردم آن با انواع خشونت خو گرفته است و با اینکار حیات اجتماعی ملیونها نفر را به بی ثباتی و بی نظمی می کشانند و اوضاع کشور شانرا مختل می سازند. سیاسیون کشور ها در رقابت های سیاسی جهانی از این دود و آتش به نفع خود بهره برداری کرده و زیر پوشش این وضع مشکلات داخلی خود را پنهان می سازند تا سمت و جهت افکار مردم را بسوی دیگر تغییر دهند. آنها از احساسات دینی و مذهبی مردم استفاده کرده گویا برای حمایت از ارزش های دینی کمبود های سیاسی خود را ترمیم میکنند.

بهر حال مطالبی که در این نوشته بیان شده، همه به روی واقعیت هایی استوار است که مطالعه و دقت در اطراف آن برای هر مسلمان واقعی که باید درس تحمل و گذشت را از پیامبر بزرگ خود رسول اکرم (ص) بیاموزند و دور اندیش باشند، حتمی به نظر میرسد. گفته میشود که این رویداد ها عمداً از طرف بعضی حلقات به وجود می آیند تا غیرمستقیم به اسلام بوسیله خود مسلمانها و انگیزه دادن آنها به خشونت این دین را که در اساس دین صلح و سلم و اخوت و برادری است، به یک دین خشونت و اکراه تبلیغ نمایند. وقتی پاره کردن کتابهای درسی مکتب استقلال را در کابل دیدم، تأسف کردم به حال شاگردان آن مکتب و اما تأسف بیشتر به حال کسانی بود که شاگردان را به این کار تشویق کرده و در واقع به تبر مخالفان اسلام دسته داده اند.

اینک نوشته پرمحتوای آقای عبیدالله مهدی خدمت خوانندگان علاقمند به موضوع تقدیم میگردد که چنین می نویسد:

نمی خواستم در این مورد چیزی بنویسم زیرا آنقدر فضا و ذهن ما آشفته است که هر اظهار نظری می تواند به بدتر شدن وضعیت کمک کند. اما به عنوان یک مسلمان که در فرانسه زندگی می کنم و پیامدهای نشر کاریکاتور پیامبر (ص) را از نزدیک می بینم بهتر دانستم برداشت و چشم دیدهای خود را با شما شریک سازم.

با شماره می نویسم تا ساده تر خوانده بتوانید:

۱- دو سال پیش در جریان ماه رمضان در متروی پاریس بودم. صدای «الله و اکبر» از تلفون همراه کسی بلند شد و ناگهان ترس و وحشت فضای داخل مترو را فرا گرفت. چند نفر روی زمین نشستند و سر خود را با کف دست پوشاندند. جیغ و فریاد در فضا پیچید. همه برای آنکه صدای اذان از تلفون یک مسلمان بلند شده است. چند سال پیش هم در یک محفل سیاسی در کابل، وقتی کسی خواسته بود مجلس را مختل کند فریاد «الله و اکبر» سر داده بود و مردم از ترس آنکه انتحاری داخل مجلس شده، به هر طرف فرار کردند.

چرا کار به اینجا رسیده است؟ چرا صدای اذان که انسان را به سوی خداوند دعوت می کند تا این اندازه ذهنیت منفی ایجاد کرده است؟ بهتر است دلایلش را در رفتارهای مسلمانان تندرو جستجو کنیم. طالبان، القاعده، داعش، بوکوحرام و غیره در زمان منفجر کردن بمب، کشتن انسان ها و بریدن سر افراد، فریاد «الله و اکبر» سر می دهند و این چون آفتاب روشن است.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

۲- توهین به پیامبر اکرم (ص) چیز تازه‌ای نیست؛ بلکه از زمان زندگی ایشان تا اکنون ادامه داشته است. روایت داریم که وقتی پیامبر در سجده بود، ابولهب شکمبه‌ی اشتر را روی سر پیامبر گذاشت و محمد مصطفی را در وقت عبادت با بو و کثافت شکمبه آلوده ساخت. وقتی به طائف رفت تا مردم را به دین اسلام دعوت کند، مردم با سنگ و چوب بر او حمله کردند و آنقدر به رسول گرامی سنگ زدند که کفش هایش از خون پر شد. او را دیوانه و جادوگر نامیدند... پاسخ پیامبر چه بود؟ عفو و بخش، مهربانی و گذشت، نیکویی و خوش خلقی. تصور کنید اگر پیامبر و صحابه در آن زمان پاسخی مشابه به افرادی که حالا زیر نام اسلام گردن بی گناهان را می‌برند، می‌دادند آیا دین اسلام حالا یک و نیم میلیارد پیرو می‌داشت؟ آیا بر حق بودن پیامبر با خشونت و خون‌ریزی قابل اثبات می‌بود؟

۳- فرانسه کشوری عجیب و بسیار متفاوت است. معیارها و ارزش‌های جامعه‌ی مدرن فرانسه را هرگز نمی‌توان با کشورهای ما (جهان سوم) مقایسه کرد. همین اکنون بیشترین تعداد مسلمانان اروپا در فرانسه اند. بیشترین یهودیان اروپا نیز شهروند فرانسه اند. مسیحی و بی‌دین نیز فراوان است. در گوشه‌های مختلف پاریس شما می‌توانید، مسجد و کلیسا و عبادتگاه‌های یهودیان را پیدا کنید. قصابی‌های حلال نیز فراوان وجود دارد. اما دولت فرانسه رسماً به اساس قانون اساسی «بی‌دین» است. بی‌دین الزاماً به معنای «ضد دین» نیست بلکه در دستور کار دولت، از آموزه‌های هیچ دینی استفاده نمی‌شود؛ ولی شهروندان در پیروی از دین و عقاید خود آزاد اند. البته تعصباتی در رابطه به مسلمانان وجود دارد. این تعصب در گذشته به یهودیان بود و نسل‌کشی یهودیان زیر نام هلوکاست در جریان جنگ جهانی دوم، ناشی از همین ذهنیت بیگانه‌ستیزی در اروپا است.

در کل، تمامی تندرانی که پس از سال ۲۰۱۵ با روش‌های خشونت‌آمیز در فرانسه دست به انتقام زده اند، به صد نفر نمی‌رسد ولی این رفتار آنها میلیون‌ها مسلمان در سراسر اروپا را در موقعیت دشواری قرار داده است. شک، تبعیض و تعصب بر ضد مسلمانان بیشتر شده است و این هنوز آغاز کار است.

۴- تجربه و مطالعه به من روشن ساخته است که معنا و مفهوم کاریکاتور در فرانسه با آنچه که ما برداشت داریم به کلی متفاوت است. ما کاریکاتور را بیشتر به معنای «تمسخر» می‌دانیم در حالیکه در هنر فرانسه، کاریکاتور بخشی از آزادی اندیشه با استفاده از هنر رسامی برای بیان فکر است. در گذشته مجله‌ی شارلی هبدو، کاریکاتورهای بسیاری از حضرت عیسی (ع)، جبریل امین و حضرت موسی (ع) را نشر کرده است. همین دو شب پیش کاریکاتور رییس جمهور فرانسه را نیز نشر کردند. پیروان ادیان دیگر، واکنشی نشان ندادند و موضوع هم فراموش شد. اما وقتی کاریکاتور پیامبر اسلام (ص) نشر شد، قضیه ابعاد تروریستی گرفت و چند نفر بالای دفتر مجله حمله کردند و ۱۴ نفر را کشتند. از آن به بعد، آنها هر وقت بخواهند مسلمانان را تحقیر کنند و به خشم‌آورند، از همین روش استفاده می‌کنند. زیرا می‌دانند چگونه می‌شود میلیون‌ها مسلمان را در کشورهای دور دستی مانند افغانستان و بنگلادیش عصبی ساخت.

پرسش من این است که اگر پیامبر اسلام زنده بود و این کاریکاتورها را می‌دید چه واکنشی نشان می‌داد؟ به فهم من، بهتر است پاسخ را در واکنش پیامبر پس از سفر به طائف، روبرو شدن با هند- همسر ابوسفیان که پس از قتل حمزه (رض) جگر او را دندان گرفته بود- جستجو کرد. پیامبر اسلام برای من نماد عفو و گذشت و الگوی اخلاق است. از طرف دیگر، این نیز ثابت شده است که خشم و خشونت مسلمانان، نمی‌تواند از نشر کاریکاتورهای بیشتر در آینده جلوگیری کند.

۵- فرانسه یکی از کشورهایی است که بیشترین تعداد پناهنده و مهاجر را پذیرفته و همین اکنون ده‌ها هزار مسلمان منتظر دریافت پذیرش به عنوان پناهنده اند. دلیل تقاضای پناهندگی آنان «جنگ و تروریسم» در کشورهای خودشان است. من تا اکنون هیچ فرانسوی را ندیده‌ام که به کشوری مسلمان پناهنده شده باشد. وقتی وارد خانه‌ی کسی می‌شویم باید به فرهنگ و اصول آنان احترام بگذاریم.

۶- به گمان من، رییس جمهور فرانسه در پشتیبانی اش از نشر کاریکاتورها دچار خطای سیاسی شد. واکنش‌های گسترده در برابر این رفتار آقای ماکرون، جایگاه سیاسی و اعتبار جهانی فرانسه را خدشه دار ساخته است. چنانچه به خشونت‌ها در فرانسه نیز دامن زده و همین اکنون دولت فرانسه برای تامین امنیت کلیساها ناگزیر به مستقر کردن هزاران سرباز شده است. رییس جمهور می‌توانست از در آستی پیش‌آید و تلاش کند تا وضعیت را بدتر از چیزی که است نسازد.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

۷- عجیب ترین بخش این ماجرا، آتش زدن کتاب های فرانسوی از جانب دانش آموزان لیسه‌ی استقلال است. مکتب استقلال در طی چندین دهه‌ی گذشته از جانب دولت فرانسه پشتیبانی شده و همواره یکی از موفق‌ترین مکتب‌های کشور ما بوده است. من نیز در آنجا درس خوانده ام و از امکانات گسترده و فضای زیبایش استفاده کرده‌ام. اصلی ترین دلیل پیوستن به مکتب استقلال، آموزش زبان فرانسوی است. حالا که یک نفر در فرانسه به پیامبر اسلام توهین کرده است، دانش‌آموزان با چه منطقی کتاب‌های خود را پاره می‌کنند؟ این کار مثل آن است که آدم بالای کسی قهر باشد ولی خانه‌ی خود را آتش بزند. مگر نخستین کلام خداوند به پیامبر اسلام «اقرأ» به معنای «بخوان» نیست؟

ت

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ